فصلنامه علمی فقه و حقوق نوین

Journal of Jurisprudence and Modern Law

Home Page: www.jaml.ir

سال انتشار	۱۴۰۵	شماره انتشار		دوره انتشار		صفحات	۹-۱

تحلیل حقوق عمومی مسئولیت دولت در صیانت از امنیت ادراکی شهروندان و الزامات آن در نظام حقوقی ایران

آقای پژمان غفوری، آقای دکتر سید امیر محمد ابوترابی و آقای مهدی جبلی

دستیار آموزشی گروه حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج

دبیر گروه حقوق و دیپلماسی، پژوهشکده امنیت ملی، دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی، تهران، ایران

عضو هیئت علمی پژوهشکده امنیت ملی، دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی، تهران، ایران

چکیده

امنیت در ادبیات سنتی حقوق عمومی بیشتر به‌عنوان وضعیتی عینی و قابل سنجش با شاخص‌هایی چون نرخ جرم یا توان دفاعی شناخته می‌شود. با این حال، ظهور پدیده «جنگ شناختی» (Cognitive Warfare) نشان می‌دهد که «احساس امنیت» یا امنیت ادراکی، امری مستقل و بنیادین است که نمی‌توان آن را صرفاً بازتابی از واقعیت بیرونی دانست. پرسش محوری پژوهش حاضر آن است که آیا دولت در برابر ادراک شهروندان از امنیت نیز مسئولیت حقوقی دارد یا مسئولیت او تنها به تأمین امنیت عینی محدود می‌شود. این پژوهش با اتخاذ روش توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر اسناد کتابخانه‌ای، قوانین موضوعه و مبانی فقهی، استدلال می‌کند که امنیت ادراکی نه یک وضعیت روانی صرف، بلکه یک «خیر عمومی رابطه‌ای» است که تحقق آن به کیفیت نهادها، شفافیت اطلاعاتی و پیش‌بینی‌پذیری اداره عمومی وابسته است. یافته‌های پژوهش گویای آن است که مسئولیت دولت در قبال امنیت ادراکی، از سطح یک تعهد اخلاقی فراتر رفته و به یک «تعهد مثبت حقوقی» ارتقا می‌یابد. با این حال، نظام حقوقی ایران در اعمال این مسئولیت با چالش‌های جدی نظیر خلأهای تقنینی در مواجهه با محتوای مولد (Deepfake) و اخبار جعلی تولیدشده با هوش مصنوعی، همچنین تعارض میان الزامات نظارت امنیتی با حریم خصوصی (اصل ۲۵ قانون اساسی) مواجه است. بر این اساس، گذار از رویکرد واکنشی به پیشگیرانه، مستلزم تدوین قانون جامع پدافند شناختی، ایجاد نهادهای هماهنگ‌کننده و بازتعریف حدود مسئولیت بین‌المللی دولت است.

واژگان کلیدی: امنیت ادراکی، مسئولیت دولت، حقوق عمومی، جنگ شناختی، حریم خصوصی، هوش مصنوعی.

طبقه‌بندی JEL : فقه – حقوق – جزا و جرم شناسی – حقوق بین الملل – حقوق خصوصی

فصلنامه علمی فقه و حقوق نوین
Journal of Jurisprudence and Modern Law
Home Page: www.jaml.ir

A Public Law Analysis of State Responsibility for Safeguarding Citizens' Perceptual Security and Its Requirements in the Iranian Legal System

Abstract

Security in traditional public law literature is often viewed as an objective and measurable state, characterized by indicators such as crime rates or defense capabilities. However, the emergence of "Cognitive Warfare" demonstrates that the "feeling of security" or perceptual security is an independent and fundamental matter, not merely a reflection of external reality. The central question of this research is whether the state bears legal responsibility for citizens' perception of security, or if its responsibility is strictly limited to providing objective security. Using a descriptive-analytical method and relying on library documents, statutory laws, and jurisprudential foundations, this research argues that perceptual security is not merely a psychological state but a "relational public good." Its realization depends on the quality of institutions, informational transparency, and the predictability of public administration. The findings indicate that the state's responsibility for perceptual security transcends moral obligation and elevates to a "positive legal obligation." However, Iran's legal system faces serious challenges in fulfilling this responsibility, such as legislative gaps regarding Deepfakes and AI-generated fake news. There is also a conflict between security surveillance requirements and privacy (Article 25 of the Constitution). Accordingly, transitioning from a reactive to a preventive approach requires drafting a comprehensive cognitive defense law, establishing coordinating institutions, and redefining the scope of the state's international responsibility.

Keywords: Perceptual Security; State Responsibility; Public Law; Cognitive Warfare; Privacy; Artificial Intelligence

فصلنامه علمی فقه و حقوق نوین
Journal of Jurisprudence and Modern Law
Home Page: www.jaml.ir

متن مقاله

تحولات فناورانه در طول تاریخ همواره یکی از مهم‌ترین عوامل دگرگونی در ساختارها، مفاهیم و نهادهای حقوقی بوده‌اند. حقوق، اگرچه به‌ظاهر نظامی هنجاری و مبتنی بر ثبات و قطعیت تلقی می‌شود، اما در عمل پیوندی ناگسستنی با بسترهای اجتماعی، اقتصادی و فناورانه هر عصر دارد. در امتداد این سیر تاریخی، «جنگ شناختی» (Cognitive Warfare) به‌عنوان پیشرفته‌ترین جلوه تهدیدات نوین عصر حاضر، مرحله‌ای کیفی و متفاوت از تحولات پیشین را رقم زده است. جنگ شناختی را می‌توان گونه‌ای از درگیری تعریف کرد که مستقیماً ادراک، باورهای بنیادین و فرآیندهای تصمیم‌گیری انسان‌ها را هدف قرار می‌دهد و با بهره‌گیری از دستکاری اطلاعات، عملیات روانی پیچیده و فناوری‌های ارتباطی، در پی تغییر رفتار فردی و جمعی در راستای اهداف راهبردی است برخلاف تهدیدهای سنتی که عمدتاً امنیت فیزیکی و تمامیت ارضی را هدف قرار می‌دادند، جنگ شناختی به حوزه‌ای وارد شده است که تا پیش از این، قلمرو انحصاری عقل، ادراک و تصمیم‌گیری انسانی تلقی می‌شد. بر اساس تعریف ارائه‌شده در نخستین کنفرانس علمی در زمینه جنگ‌های شناختی که با حمایت ناتو در سال ۲۰۲۱ برگزار شد، جنگ شناختی نوعی جنگ غیرمتعارف است که با استفاده از ابزارهای سایبری، فرآیندهای شناختی دشمن را تغییر می‌دهد، سوگیری‌های ذهنی یا تفکر واکنشی او را بهره‌برداری می‌کند، باعث تحریف افکار، تحت تأثیر قرار دادن تصمیم‌گیری و مختل کردن اقدامات می‌شود که اثرات منفی، هم در سطح فردی و هم در سطح جمعی دارد (NATO, ۲۰۲۱). در این پارادایم نوین، امنیت ملی نه‌تنها به معنای حفظ مرزهای جغرافیایی، بلکه به معنای حفظ انسجام فکری، هویتی و باورهای جمعی جامعه است. در چنین شرایطی، نظام حقوقی نمی‌تواند نسبت به تحولات عرصه ادراک بی‌تفاوت بماند؛ چراکه هرگونه خلأ در این حوزه، مستقیماً به تضعیف حاکمیت قانون و مشروعیت نهادهای عمومی منجر می‌شود.

۲. بیان مسئله و اهمیت موضوع

نظام‌های حقوقی معاصر در دهه‌های اخیر با چالشی بنیادین در زمینه صیانت از امنیت شهروندان مواجه شده‌اند؛ چالشی که ریشه در تحولات عمیق فناورانه و تغییر ماهیت تهدیدات دارد. در گذشته، وظیفه دولت در قبال امنیت، عمدتاً به تأمین نظم عمومی، دفاع از مرزها و مقابله با جرایم آشکار محدود می‌شد. اما با ظهور جنگ شناختی، دشمن بدون نیاز به حضور فیزیکی، از طریق شبکه‌های اجتماعی، رسانه‌های معاند و ابزارهای هوش مصنوعی، به دنبال تغییر ادراک، باورها و محاسبات ذهنی جامعه هدف است. در این نوع نبرد، هدف اصلی نه تصرف سرزمین، بلکه تسخیر ذهن‌ها و ایجاد اختلال در نظام تصمیم‌گیری و انسجام اجتماعی است. اینجاست که «امنیت ادراکی» به‌عنوان یک خیر عمومی رابطه‌ای مطرح می‌شود. اگر شهروندان در فضای اطلاعاتی و رسانه‌ای احساس امنیت و اعتماد نکنند، حتی در غیاب تهدیدهای فیزیکی، سرمایه اجتماعی و مشروعیت نظام سیاسی به شدت تضعیف خواهد شد. اهمیت این موضوع از آن جهت است که ورود هوش مصنوعی و الگوریتم‌های یادگیرنده به عرصه جنگ شناختی، پیامدهایی فراتر از یک تحول فنی دارد و اصول بنیادین حقوق عمومی نظیر حاکمیت قانون، شفافیت و پاسخگویی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بنابراین، مسئله اصلی این پژوهش تبیین نسبت میان مسئولیت حقوقی دولت و صیانت از امنیت ادراکی شهروندان در بستر تهدیدات شناختی است. آیا می‌توان دولت را در برابر احساس ناامنی شهروندان، حتی در شرایطی که تهدید فیزیکی وجود ندارد، مسئول

فصلنامه علمی فقه و حقوق نوین
Journal of Jurisprudence and Modern Law
Home Page: www.jaml.ir

دانست؟ و اگر پاسخ مثبت است، مبانی فقهی و حقوقی این مسئولیت چیست و نظام حقوقی ایران در اعمال آن با چه موانعی روبه‌روست؟

۳. پیشینه پژوهش

۳-۱. مطالعات فقهی و حقوقی درباره امنیت روانی

بخشی از پژوهش‌ها به تبیین مبانی فقهی و حقوقی امنیت روانی اختصاص دارد. نوریان و محمدی (۱۴۰۰) با تحلیل آیات قرآن و منابع فقه امامیه نشان می‌دهند که شریعت اسلامی تدابیر متعددی از تبیین ارشادی تا تضمین مدنی و جزایی برای تأمین امنیت روانی شهروندان پیش‌بینی کرده است و برهم زنندگان امنیت روانی جامعه را مستحق برخورد کیفری می‌داند. یافته‌های این پژوهش بیانگر دلالت آیات قرآن بر مشروعیت حق امنیت روانی با معرفی «ایمان» به‌عنوان مرجع امنیت روانی و تضمین آن در پرتو اصلاح روابط اجتماعی با محوریت «اعتماد اجتماعی» است (نوریان و محمدی، ۱۴۰۰).

۳-۲. پژوهش‌های حقوقی - تحلیلی درباره جنگ شناختی

دسته دوم شامل مطالعاتی است که به ماهیت جنگ شناختی پرداخته‌اند. ترابی و احمدی (۱۴۰۴) با بررسی تاب‌آوری شناختی در برابر جنگ شناختی علیه ایران، نشان می‌دهند که جمهوری اسلامی ایران به‌طور گسترده در معرض این نوع جنگ قرار گرفته است؛ به‌ویژه در رخدادهایی نظیر اغتشاشات پاییز ۱۴۰۱ که طی آن، دشمن با تولید و انتشار محتوای هدفمند، بمباران اطلاعاتی و القای توهم اکثریت، تلاش کرد تا انسجام ذهنی جامعه را دچار اختلال کند. یافته‌های آنان نشان می‌دهد که ضعف در آموزش سواد رسانه‌ای، نبود پلتفرم‌های بومی و خلأ در نهادینه‌سازی جهاد تبیین، از مهم‌ترین چالش‌های تاب‌آوری شناختی در ایران هستند (ترابی و احمدی، ۱۴۰۴).

۳-۳. خلأ پژوهشی

با این حال، مرور ادبیات نشان می‌دهد که غالب پژوهش‌های داخلی یا صرفاً به جنبه‌های فنی و امنیتی جنگ شناختی پرداخته‌اند، یا در حوزه حقوق عمومی، تمرکز خود را بر چالش‌های حریم خصوصی معطوف کرده‌اند و کمتر پژوهشی به طور هم‌زمان و منسجم، «مسئولیت مثبت حقوقی دولت در قبال امنیت ادراکی» را با تکیه بر مبانی فقهی و ارائه راهکارهای تقنینی و نهادی تحلیل کرده است. پژوهش حاضر می‌کوشد ضمن پر کردن این شکاف، چارچوبی نظری برای بهره‌برداری مسئولانه از ابزارهای حقوقی در صیانت از امنیت ادراکی ارائه دهد.

۴. مفهوم‌شناسی امنیت ادراکی و مبانی مسئولیت دولت

۴-۱. مفهوم‌شناسی امنیت ادراکی و جنگ شناختی

در ادبیات امنیتی، امنیت به دو معنای عینی و ذهنی تفکیک می‌شود. امنیت عینی به فقدان تهدید علیه ارزش‌ها اشاره دارد و امنیت ذهنی یا ادراکی به فقدان احساس ترس از اینکه چنین ارزش‌هایی مورد حمله قرار خواهند گرفت. در این پژوهش، «امنیت ادراکی» به معنای احساس امنیت و اعتماد شهروندان در فضای اطلاعاتی و رسانه‌ای است که با «امنیت

فصلنامه علمی فقه و حقوق نوین
Journal of Jurisprudence and Modern Law
Home Page: www.jaml.ir

روانی» (بعد فردی و روان‌شناختی احساس امنیت) قرابت دارد اما در سطحی جمعی و نهادی مطرح می‌شود. جنگ شناختی، به‌عنوان ابزار اصلی تغییر امنیت ادراکی، نوعی الگوی عملیاتی است که با هدف قرار دادن فرایندهای شناختی- از جمله توجه، حافظه، قضاوت و تصمیم‌گیری- در تلاش است توان واکنش مؤثر جوامع را کاهش دهد. در چارچوب ناتو، جنگ شناختی به‌عنوان عرصه‌ای تعریف می‌شود که در آن ذهن به مثابه فضای نبرد تلقی می‌شود و هدف آن ایجاد ناهماهنگی، دامن زدن به روایت‌های متضاد، قطبی‌سازی افکار و رادیکالیزه کردن گروه‌هاست (NATO, ۲۰۲۱). در این نوع نبرد، دشمن با ایجاد ابهام، تحریف اطلاعات، تولید روایت‌های رقیب و استفاده از محتوای مولد (Deepfake)، نوعی اختلال شناختی ایجاد می‌کند که نتیجه آن، کند شدن یا خطاپذیر شدن تصمیم‌ها و تضعیف سرمایه اجتماعی است. در این میان، امنیت ادراکی یک «خیر عمومی رابطه‌ای» است که تنها از اقدام پلیسی برنمی‌آید، بلکه از کیفیت فضای شهری، شفافیت اطلاعاتی، تمامیت نهادی و وجود کانال‌های قابل اعتماد اطلاعاتی شکل می‌گیرد.

۴-۲. تحول در وظایف دولت از تعهد سلبی به تعهد مثبت

در حقوق عمومی معاصر، تحول مهمی در وظیفه دولت در قبال امنیت رخ داده است. دولت دیگر تنها ملزم به خودداری از تجاوز به امنیت شهروندان (تعهد سلبی) نیست، بلکه تعهد مثبت دارد که شرایط تحقق امنیت را فراهم کند. این تعهد مثبت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز بازتاب یافته است؛ بند ۱۴ اصل سوم، تأمین حقوق همه‌جانبه افراد و ایجاد امنیت را از وظایف دولت دانسته و اصل بیست‌ودوم بر مصونیت حقوق اشخاص تأکید کرده است (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۵۸).

در رویکرد سنتی، امنیت در این اصول صرفاً به امنیت فیزیکی تفسیر می‌شد، اما با توجه به پیوند آن با کرامت انسانی، ابعاد روانی و ادراکی را نیز در بر می‌گیرد. دولت نمی‌تواند ادعا کند که چون تهدید فیزیکی وجود ندارد، امنیت برقرار است؛ بلکه باید اطمینان حاصل کند که شهروندان در فضای اطلاعاتی و رسانه‌ای، احساس امنیت و اعتماد دارند.

۴-۳. مبانی فقهی مسئولیت دولت در صیانت از امنیت روانی

از منظر فقه اسلامی نیز، امنیت صرفاً در بُعد نظامی و انتظامی محدود نمی‌شود. امنیت روانی بسترساز شکوفایی شخصیت و سلامت فکری افراد است و شریعت اسلامی تدابیری از تبیین ارشادی تا تضمین مدنی و جزایی برای تأمین آن پیش‌بینی کرده است. نوریان و محمدی (۱۴۰۰) با استناد به آیات قرآن و منابع فقه امامیه نشان می‌دهند که قرآن کریم برهم زنندگان امنیت روانی جامعه را مجرم دانسته و آنان را از ارتکاب به چنین جرمی بازداشته است (نوریان و محمدی، ۱۴۰۰). در تبیین این مسئله باید گفت که «نظام» در ادبیات فقهی، تنها به نظم فیزیکی و انتظامی جامعه اطلاق نمی‌شود، بلکه شامل نظم ایدئولوژیک و انسجام فکری و فرهنگی جامعه نیز می‌گردد. جنگ شناختی، دقیقاً با هدف برهم زدن این نظم ایدئولوژیک طراحی می‌شود.

۴-۴. ابعاد حقوق بشری و بین‌المللی امنیت ادراکی

حق بر آزادی بیان، حق دسترسی به اطلاعات و حق برخورداری از امنیت روانی، از جمله حقوق بنیادین شناخته شده در اسناد بین‌المللی نظیر میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و اعلامیه جهانی حقوق بشر هستند. در عصر جنگ شناختی، دشمنان با تولید و انتشار گسترده اطلاعات نادرست و محتوای مولد، نه تنها شهروندان را از دسترسی به

فصلنامه علمی فقه و حقوق نوین
Journal of Jurisprudence and Modern Law
Home Page: www.jaml.ir

اطلاعات صحیح محروم می‌کنند، بلکه با ایجاد رعب و وحشت روانی، حق بر امنیت آن‌ها را نیز نقض می‌نمایند. از منظر حقوق عمومی، دولت‌ها موظف‌اند ضمن احترام به آزادی‌های مشروع، فضایی امن و شفاف برای تبادل اطلاعات فراهم کنند. ناتو نیز تصریح می‌کند که جنگ شناختی صرفاً یک مسئله نظامی نیست و نیازمند تعهد سیاسی، نهادهای مدنی، بخش خصوصی و تک‌تک افراد جامعه است (NATO, ۲۰۲۱).

۵. قلمرو و ابعاد مسئولیت دولت در صیانت از امنیت ادراکی

۵-۱. حکمرانی اطلاعاتی و تعهد به پیشگیری

مسئولیت دولت در قبال امنیت ادراکی، پیش از هر چیز مستلزم اتخاذ رویکردی پیشگیرانه در برابر تهدیدات نوظهور است. یکی از مهم‌ترین منابع شکل‌گیری ادراک امنیت، اکوسیستم رسانه‌ای و فضای مجازی است. از منظر حقوق عمومی، دولت مسئول ایجاد کانال‌های قابل اعتماد اطلاعاتی و مبارزه با جنگ روانی و تشویش اذهان عمومی است (تحلیل نگارندگان). با این حال، مسئولیت دولت در این حوزه با خطر جدی روبه‌روست: اگر دولت بخواهد ادراک صحیح را از بالا تعیین کند، ممکن است به کنترل‌گری و محدودسازی آزادی بیان بینجامد. بنابراین، مسئولیت دولت در قبال امنیت ادراکی باید در چارچوب شفافیت و پاسخ‌گویی اعمال شود، نه از طریق قیم‌مآبی اطلاعاتی.

۵-۲. پیش‌بینی‌پذیری اداری و اعتماد نهادی

ادراک امنیت به شدت به اعتماد شهروندان به نهادها وابسته است. مطالعات نشان می‌دهند که در بسترهایی با مشروعیت پایین، افزایش صرف ارتباطات دولتی می‌تواند حتی بی‌اعتمادی را تشدید کند (تحلیل نگارندگان). بنابراین، مسئولیت دولت در قبال امنیت ادراکی، پیش از هر چیز مستلزم پیش‌بینی‌پذیری تصمیم‌های اداری، پاسخ‌گویی مقامات و مبارزه با فساد است. حقوق عمومی با ابزارهایی چون دیوان عدالت اداری، می‌تواند نظارت قضایی مؤثری بر تصمیمات اداری اعمال کند و از این طریق، امنیت ادراکی را به‌عنوان یک وضعیت نهادی تثبیت نماید.

۵-۳. چالش تعادل میان نظارت امنیتی و حریم خصوصی

یکی از پیچیده‌ترین ابعاد مسئولیت دولت در صیانت از امنیت ادراکی، تعارض میان الزامات پدافند شناختی و حقوق شهروندی (حریم خصوصی) است. اصل ۲۵ قانون اساسی، به‌صراحت هرگونه تعرض به حریم خصوصی را مگر به حکم قانون ممنوع اعلام کرده است (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۵۸). با این حال، در عمل، مفهوم «حکم قانون» و تعیین حدود مجاز نظارت، همچنان مبهم است. استفاده از ابزارهای نوینی مانند هوش مصنوعی و کلان‌داده‌ها در نظارت امنیتی، اگرچه می‌تواند دقت شناسایی تهدیدات را افزایش دهد، اما به دلیل جمع‌آوری گسترده داده‌های شخصی و تحلیل آن‌ها بدون رضایت صریح افراد، می‌تواند به نقض گسترده حریم خصوصی و ایجاد یک دولت نظارتی منجر شود. در سطح تطبیقی، کنوانسیون جرایم سایبری بوداپست (۲۰۰۱) نیز با چالش تنش میان الزامات همکاری بین‌المللی و اصول حاکمیت ملی و حفظ حریم خصوصی شهروندان مواجه است (Council of Europe, ۲۰۰۱).

۶. چالش‌های ساختاری و تقنینی نظام حقوقی ایران

فصلنامه علمی فقه و حقوق نوین
Journal of Jurisprudence and Modern Law
Home Page: www.jaml.ir

۶-۱. خلأهای تقنینی در حوزه محتوای مولد و اخبار جعلی

نظام حقوقی ایران در مسیر صیانت از امنیت ادراکی با چالش‌های متعددی مواجه است. نخستین چالش، خلأهای تقنینی در حوزه محتوای مولد و اخبار جعلی است. قانون جرائم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸، گام‌های نخستین را در جهت جرم‌انگاری برخی از مصادیق جرائم فضای مجازی برداشته است. ماده ۶ این قانون، جعل رایانه‌ای را به «تغییر یا ایجاد داده‌های قابل استناد یا ایجاد یا وارد کردن متقلبانه داده‌ها» تعریف کرده است (قانون جرائم رایانه‌ای، ۱۳۸۸). اما در دیپ‌فیک، ما با تولید یک محتوای کاملاً جدید و مصنوعی روبه‌رو هستیم که واقع‌گرایی بالایی دارد و در بسیاری از موارد، هیچ‌گونه تغییر یا دستکاری در یک داده اصلی در آن صورت نگرفته است. بنابراین، تطبیق ماده ۶ بر دیپ‌فیک با تردیدهای جدی مواجه است. ماده ۱۸ این قانون (نشر اکاذیب) نیز برای تحقق جرم، احراز «قصد اضرار به غیر یا تشویش اذهان عمومی» را لازم دانسته است (قانون جرائم رایانه‌ای، ۱۳۸۸)؛ در حالی که در فضای شبکه‌های اجتماعی، بسیاری از کاربران ممکن است بدون چنین قصدی و صرفاً به دلیل باور به صحت محتوا، آن را بازنشر دهند. در سطح تطبیقی، کنوانسیون جرایم سایبری بوداپست (۲۰۰۱) به‌عنوان جامع‌ترین سند بین‌المللی در این حوزه، چارچوبی برای جرم‌انگاری رفتارهای مجرمانه سایبری و همکاری بین‌المللی فراهم می‌کند که می‌تواند الگویی برای اصلاح قانون داخلی باشد (Council of Europe, ۲۰۰۱).

۶-۲. ناهماهنگی نهادی در مدیریت بحران شناختی

دومین چالش، ناهماهنگی نهادی در مدیریت بحران شناختی است. تجربه وقایع آبان ۱۳۹۸ و اغتشاشات ۱۴۰۱ نشان داد که وظایف میان نهادهایی مانند شورای عالی امنیت ملی، مرکز ملی فضای مجازی، وزارت اطلاعات و قوه قضائیه پراکنده است و هیچ‌یک به‌طور اختصاصی مسئولیت جنگ شناختی را بر عهده ندارند. ترابی و احمدی (۱۴۰۴) نیز در تحلیل تاب‌آوری شناختی در ایران، ضعف در نهادینه‌سازی جهاد تبیین و نبود پلتفرم‌های بومی را از مهم‌ترین چالش‌های نهادی دانسته‌اند (ترابی و احمدی، ۱۴۰۴).

۶-۳. دشواری‌های انتساب و مسئولیت بین‌المللی دولت‌های حامی

سومین چالش، دشواری‌های انتساب و مسئولیت بین‌المللی دولت‌های حامی است. در فضای سایبری، به‌دلیل ماهیت ناشناس این فضا و استفاده از ابزارهای واسطه، تشخیص اینکه آیا یک حمله سایبری واقعاً توسط یک دولت انجام شده است یا توسط گروه‌های هکتیویست، بسیار دشوار است. ترابی و احمدی (۱۴۰۴) نیز به چالش‌های عملی نظیر دشواری انتساب اقدامات، ضعف ضمانت اجراها و نقش بازیگران غیردولتی در جنگ اطلاعاتی اشاره کرده‌اند (ترابی و احمدی، ۱۴۰۴).

فصلنامه علمی فقه و حقوق نوین
Journal of Jurisprudence and Modern Law
Home Page: www.jaml.ir

۷. نتیجه‌گیری

مسئولیت دولت در صیانت از امنیت ادراکی شهروندان از منظر حقوق عمومی نشان می‌دهد که این مفهوم، به دلیل وابستگی عمیقش به کیفیت نهادها، شفافیت اطلاعاتی و پیش‌بینی‌پذیری اداره عمومی، به یک موضوع اصیل حقوق عمومی تبدیل شده است. فرضیه پژوهش مبنی بر وجود تعهد مثبت حقوقی برای دولت در قبال امنیت ادراکی تأیید می‌شود؛ دولت مدرن نه‌تنها در برابر تأمین امنیت عینی، بلکه در برابر تأمین شرایط ادراک امنیت نیز مسئول است. این تعهد، هم در قانون اساسی (بند ۱۴ اصل سوم و اصل ۲۲) و هم در قواعد فقهی (وجوب حفظ نظام) ریشه دارد. با این حال، نظام حقوقی ایران در اعمال این مسئولیت با چالش‌های جدی نظیر خلأهای تقنینی در حوزه محتوای مولد و هوش مصنوعی، ناهماهنگی نهادی، و تعارض میان نظارت امنیتی و حریم خصوصی مواجه است.

یافته‌های این پژوهش همچنین گویای آن است که تحقق امنیت ادراکی، نیازمند یک رویکرد چندبعدی و فراتر از اقدامات سلبی صرف است. تجربه نشان داده است که اگرچه برخوردهای امنیتی و فیلترینگ ممکن است در کوتاه‌مدت آثار تهدید را کاهش دهند، اما در میان‌مدت و بلندمدت، به دلیل ایجاد خلأ اطلاعاتی و تضعیف اعتماد عمومی، خود به عاملی برای تسهیل عملیات شناختی دشمن تبدیل می‌شوند. بنابراین، نظام حقوقی ایران باید ضمن حفظ چارچوب‌های امنیتی خود، سرمایه‌گذاری سنگینی روی «روایت‌سازی راهبردی» و «تقویت سواد رسانه‌ای» انجام دهد. بر اساس یافته‌های این پژوهش و برای رفع چالش‌های موجود، پیشنهاد می‌شود قانونگذار با تدوین قانون جامع پدافند شناختی و امنیت ادراکی و اصلاح قانون جرائم رایانه‌ای، خلأهای مربوط به محتوای مولد و اخبار جعلی تولیدشده با هوش مصنوعی را پر کند و ضمن تأمین الزامات امنیتی، حریم خصوصی شهروندان را به طور کامل مورد حمایت قرار دهد.

فصلنامه علمی فقه و حقوق نوین
Journal of Jurisprudence and Modern Law
Home Page: www.jaml.ir

منابع

الف) منابع فارسی

۱. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۵۸). اصول ۳ (بند ۱۴)، ۲۲ و ۲۵.

۲. قانون جرائم رایانه‌ای (مصوب ۱۳۸۸). ماده ۶ (جعل رایانه‌ای) و ماده ۱۸ (نشر اکاذیب).

۳. نوریان، مهدی و محمدی، حسین (۱۴۰۰). «امنیت روانی در قرآن کریم؛ از تأثیر اجتماعی تا تضمین مدنی و جزایی در فقه امامیه»، نشریه مطالعات راهبردی ناجا، پیاپی ۲۱، صص ۱۵۳-۱

۴. ترابی، حسن و احمدی، فاطمه (۱۴۰۴). «تاب‌آوری شناختی در برابر جنگ شناختی علیه ایران: مؤلفه‌ها، تحلیل و راهکارهای ارتقا»، شناخت‌پژوهی مطالعات سیاسی، ۱(۲)، صص ۱۰۱-۱۲۱.

ب) منابع لاتین

۵. NATO (۲۰۲۱). Cognitive Warfare Concept. First NATO Scientific Meeting on Cognitive Warfare, Bordeaux, France.

۶. Council of Europe (۲۰۰۱). Convention on Cybercrime (Budapest Convention). ETS No. ۱۸۵.